

ریحانه یک و نیم ساله که هویتش از روی کاپشن صورتی و گوشواره‌های قلبی‌اش مشخص شد، قلب‌های بسیاری را تکان داد و به نماد مظلومیت جنایت تروریستی کرمان تبدیل شد.

پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس کرمان نوشت: وقتی به دیدار پزشک تشخیص هویت پزشکی قانونی کرمان رفتیم، بغض چند روزه‌اش شکست و اشک چشمانش سرازیر شد و گفت: هیچ وقت فکر نمی‌کردم دختر معصومی که هیچ نشانی نداشت و تنها راه شناسایی‌اش کاپشن صورتی و گوشواره‌های قلبی‌ او بود، تبدیل به نماد مظلومیت یک حادثه تروریستی شود.

این پزشک پر تلاش با اینکه چند روز از شهادت ریحانه سلطانی، ژاد یعنی همان دختر کاپشن صورتی با گوشواره‌های قلبی می‌گذشت، اما باز دستانش می‌لرزید و بغض گلویش را می‌فشرد و اشک بی تابش کرده بود.

وی در ادامه گفت: لحظه‌ای که پیکرهای شهدا را برای تشخیص به پزشکی قانونی آوردند، هیچ کس قادر نبود جلوی گریه خود را بگیرد؛ واقعا لحظه سختی بود؛ هنوز انگار تمام لحظه‌ها جلوی چشمم است و هرگز از ذهنم محو نخواهد شد.

این پزشک تشخیص هویت افزود: اما در بین همه شهدا پیکر بی جان دختر بچه‌ای دو ساله بیش از همه خودنمایی می‌کرد، چرا که به سبب شدت انفجار، تشخیص هویت او سخت بود و یکی از راه‌های تشخیص او نشانی لباس‌ها و علائمی بود که در پیکر کوچکش وجود داشت؛ کودکی که مظلومیت او از جنس مظلومیت بازماندگان دشت کربلا و معصومیت او از جنس یک حقیقت تلخ در دل این حادثه تروریستی بود.

وی با نگاهی عمیق به دست خط خود بر روی نوشته‌ای که در لحظه شناسایی پیکرهای شهدا تنظیم شده بود، گفت: این مشخصات در همان لحظات سخت و جانکاه تشخیص هویت نوشته شد "دختری با کاپشن صورتی و گوشواره‌های قلبی".

وقتی این جمله را به زبان آورد حس و حالش وصف‌ناپذیر بود و سپس افزود: قسم به پیکرهای بی‌چانی که تا پای جان ایستادند و مقاومت کردند، این مقاومت ادامه خواهد داشت، حتی اگر مقاومت از جنس کودکان خردسال بسیاری با کاپشن صورتی و گوشواره‌های قلبی باشد.

در این لحظه اشک چشمانش بیش از قبل جاری شد و گفت: دختر کاپشن صورتی با گوشواره‌های قلبی، راهت ادامه خواهد داشت.

به گزارش ایسنا، "ریحانه سلطانی، ژاد" یک سال و نیمه، فرزند یکی از وابستگان مجموعه انتظامی کرمان، همان دختر کاپشن صورتی با گوشواره‌های قلبی، از جمله شهدای انفجار تروریستی مسیر گلزار شهدای کرمان بود که به همراه هفت نفر دیگر از اعضای خانواده‌اش آسمانی شد.

